

Factors of political & social degeneration of governments and strategies to deal with them (Safavid case study; An analysis of Teb-al-Mamalek)

Naser Jamalzadeh¹, Mohammadreza Davoodi²

DOI: [10.48308/piaj.2024.234349.1477](https://doi.org/10.48308/piaj.2024.234349.1477) Received: 2024/01/03 Accepted: 2024/04/20

Original Article

Extended Abstract

Introduction: Characterized by its Shiite background and the interdependence of religion and politics in governance, the Safavid government bear some significant similarities to the Islamic Republic of Iran and played an important role in shaping Iran's political and social history. The aim of the present research is to examine the causes of the decline and fall of the Safavid government and to investigate the strategies that could have served as a solution to this decline for the Safavids. To this end, after a historical investigation, *Resaale-ye Teb-ol Mamaalek* (the Treatise on State Medicine) written by Qutb al-Din Nayrizi has been chosen as the textual reference to analyze and achieve the research goal. This selection is of great importance due to Qutb al-Din Nayrizi's religious status and his contemporaneity with the reign of Shah Sultan Hussein Safavid (during whose period the fall of the Safavids occurred), and it can significantly reflect the political and social conditions of that era and elucidate Nayrizi's prescriptions for strengthening the political and social foundations of Safavid Iran and overcoming the state of weakness.

Method: Due to the text-oriented nature of the current research, the authors will use the thematic analysis, which is more applicable to written sources. Accordingly, the materials related to the topic were extracted, categorized and coded. Relying on the stated methodological steps, in order to discover the existing topics of the text of *Resaale-ye*

1. Associate Professor, Political Science-Iranian Issues, Director of the Department of Islamic Revolution Studies, Faculty of Islamic Studies and Political Sciences, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran. n.jamalzadeh@isu.ac.ir

2. PhD student, Political Science - Iranian issues, Department of Islamic Revolution Studies, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran. (Corresponding Author). m.davoodi@isu.ac.ir



Teb-ol Mamaalek (the Treatise on State Medicine), the extraction and coding process of the topics in each section has been done by the researchers. Therefore, using MaxQDA software, categories related to the factors of decline and the strategies to prevent it were marked with the symbols Fa and So, and the coding process was carried out.

Results and Discussion: In the end, the extracted themes were categorized under two main headings: causes of decline and strategies for overcoming the crisis. Through this process, the influential factors in each of these two headings were identified from Qutb al-Din Nayrizi's perspective, and the position of various factors in his thought was recognized. According to the author of this treatise, if the scholars, as one of the important social groups, are weak-willed, worldly, hypocritical, followers of the Sultan, and inactive, the groundwork for societal decline is laid. Nayrizi also mentions "environmental factors," including widespread famine and foreign territorial expansionism, and "divine trials and traditions" as causes of societal decline.

Conclusions: According to the findings, it can be concluded that this religious thinker classified the factors of degeneration into the following five categories: factors related to the public, factors related to scholars, factors related to governance, environmental factors, and also divine traditions; he also classified the solutions to deal with it under four categories: solutions related to the public, solutions related to the scholars, solutions related to governance, and finally, transcendental solutions or divine aid.

Keywords: The Safavid dynasty, Qutb al-Din Nayrizi, Teb-ol Mamaalek, Decline, Fall of government

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Citation: Jamalzadeh, Naser & Davoodi, Mohammadreza. 2024. Factors of political and social degeneration and coping strategies (Safaviya case study, an analysis of the Treatise on Tabul al-Mamalek), Political and International Approaches, Spring, Vol 16, No 1, PP 154-184.



عوامل انحطاط سیاسی-اجتماعی حکومت‌ها و راهکارهای مقابله با آن (مطالعه موردی صفویه؛ تحلیلی بر رساله طب الممالک)

ناصر جمalzاده¹ و محمدرضا داودی²

DOI: [10.48308/pijaj.2024.234349.1477](https://doi.org/10.48308/pijaj.2024.234349.1477)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: در تاریخ ایران، یکی از حکومت‌هایی که به دلیل ماهیت شیعی و وجود ارتباط وثیق بین دین و سیاست در اداره جامعه ذیل قلمرو آن، می‌تواند واجد شباهت‌هایی با نظام جمهوری اسلامی ایران باشد، حکومت صفویه است، که نقش مهمی در ساخت تاریخ سیاسی-اجتماعی ایران ایفا کرده است. رسالت پژوهش حاضر بررسی علل زوال و انحطاط حکومت صفویه و بررسی راهکارهایی است که می‌توانست به‌مثابه نسخه برون‌رفت از این انحطاط برای صفویان ایفای نقش نماید. در راستای این مهم، پس از کنکاش تاریخی، «رساله طب الممالک» نوشته «قطب‌الدین نیریزی»، به‌عنوان مرجع متنی پژوهشگران جهت تحلیل و نیل به هدف پژوهش برگزیده شده است. این‌گزینه‌ها با توجه به جایگاه دینی «قطب‌الدین نیریزی» و هم‌عصری او با دوران سلطنت شاه سلطان حسین صفوی (که فروپاشی صفویان در دوره او رخ داده است)، واجد اهمیت بسزایی است و می‌تواند احوالات سیاسی-اجتماعی آن دوران را تا حد قابل توجهی بازنمایی کند و نسخه‌های نیریزی برای حکومت صفویه در جهت استحکام بخشی به پایه‌های سیاسی-اجتماعی ایران صفوی و خروج از وضعیت ضعف را تبیین نماید. از این رو مقاله درصدد است ضمن بررسی متن رساله طب الممالک اثر قطب‌الدین نیریزی که در دوران افول حکومت صفویه نگاشته شده به این سؤال پاسخ دهد که: «از دید قطب‌الدین نیریزی به‌عنوان یکی از علمای شیعه آن دوره علت انحطاط حکومت صفویان چیست و چه راهکارهایی برای برون‌رفت از آن پیشنهاد می‌دهد؟»

روش‌ها: با توجه به متن محور بودن پژوهش حاضر نگارندگان از روش تحلیل مضمون که بیش از هر چیز برای منابع مکتوب کاربرد دارد استفاده خواهند کرد. از این رو مطالب مرتبط با موضوع استخراج، دسته‌بندی و کدگذاری شد. با تکیه بر گام‌های روشی بیان شده، در راستای کشف مضامین موجود متن رساله طب الممالک تقطیع و

۱. دانشیار علوم سیاسی-مسائل ایران، مدیر گروه مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. n.jamalzadeh@isu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی-مسائل ایران، گروه مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). m.davoodi@isu.ac.ir



مضامین موجود در هر بخش استخراج و فرآیند کدگذاری توسط پژوهشگر انجام شده است. از این رو با استفاده از نرم افزار مکس کیودا مقوله‌های مرتبط با عوامل انحطاط و راهکارهای جلوگیری از آن با استفاده از نمادهای Fa و So نشانه گذاری شده و عملیات کد گذاری صورت گرفته است.

یافته‌ها: در نهایت مضامین مستخرج ذیل دو عنوان کلی علل افول و راهکارهای برون رفت از بحران جای گرفتند. با این اقدام عوامل مؤثر در هر یک از این دو حوزه از دیدگاه قطب‌الدین نیریزی شناسایی و جایگاه عوامل مختلف در اندیشه او شناسایی شد. از نظرگاه نویسندگان این رساله، علما به‌عنوان یکی از گروه‌های مهم اجتماعی، اگر بی‌اراده، دنیاطلب، سخن‌بین، پیرو سلطان و بی‌عمل باشند، زمینه انحطاط جامعه فراهم می‌شود. نیریزی، در کنار «عامل محیطی»، که قحطی فراگیر و طمع بیگانگان را در بر می‌گیرد، از «آزمایش‌ها و سنت‌های الهی» نیز به‌عنوان یکی از عوامل انحطاط جوامع یاد می‌کند که عذاب الهی، آزمایش الهی و تغییر نعمت‌ها در زمره آن است.

نتیجه‌گیری: باتوجه به یافته‌های به‌دست آمده می‌توان نتیجه گرفت این عالم دینی عوامل انحطاط را ذیل پنج دسته: عوامل مرتبط با عموم مردم، عوامل مرتبط با علما، عوامل مرتبط با حاکمیت، عوامل محیطی و همچنین سنن الهی؛ و راهکارهای مقابله با آن را نیز ذیل چهار دسته: راهکارهای مرتبط با عموم مردم، راهکارهای مرتبط با علما، راهکارهای مرتبط با حاکمیت و در نهایت راهکارهای فرامادی یا همان امدادهای الهی دسته‌بندی کرد.

واژگان کلیدی: صفویه، قطب‌الدین نیریزی، طب الممالک، سقوط حکومت، انحطاط.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استناددهی: جمالزاده، ناصر و داودی، محمدرضا. ۱۴۰۳. عوامل انحطاط سیاسی-اجتماعی و راهکارهای مقابله (مطالعه مورد صفویه، تحلیلی بر رساله طب الممالک)، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، بهار، سال ۱۶، شماره ۱، ۱۸۴-۱۵۴.



مقدمه

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و سربرآوردن کنشگری جدید در عرصه معادلات بین‌المللی قدرت، فرصت‌ها و تهدیدهای بسیاری در دو حوزه درونی و بیرونی، فراروی ایران اسلامی قرار گرفت. فرصت‌ها و تهدیدهایی که کیفیت شناخت و توجه به مختصات آن‌ها و طرح‌ریزی هوشمندانه برای مدیریت بهینه آن‌ها، به‌عنوان آئینه بازتاب‌دهنده کارآمدی و سنججای برای سنجش میزان توفیق انقلاب مردم ایران قلمداد می‌شوند. یکی از عواملی که کمک کار دستیابی به این شناخت و مدیریت مدبرانه فرصت‌ها و تهدیدها در مسیر حرکت ایران اسلامی است، بهره‌گیری روش‌مند از تجربه‌های تاریخی تکرارشونده است. این عبرت‌گیری از حوادث و رخدادهای تاریخی، ابتناء بر «تکرارمندی تاریخ» دارد و می‌کوشد جوامع را از دچارشدن به شرایطی که جوامع گذشته را به ورطه ضعف و حتی زوال کشانیده، برحذر دارد و ملت‌ها را از طریق آگاه نمودن ایشان از اصول و سنن الهی در پهنه اجتماع، از چشیدن طعم تلخ حوادث قاعده‌مند که پیشینیان را مبتلا ساخته دور سازد. در واقع، همان‌گونه که شکوفایی و تعالی يك جامعه به خودی خود صورت نمی‌گیرد و عوامل متعدد در تشکیل آن سهیم‌اند، انحطاط آن نیز معلول علت‌های گوناگونی است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

«قضایای جوامع انسانی و جهانی حقیقتاً مشابه‌اند، چون با همه‌ی تغییری که در وضع زندگی انسان‌ها به وجود می‌آید، عوامل تأثیرگذار حقیقی در زندگی انسان‌ها همیشه چیزهای معینی است. «سنت‌الله» که در قرآن می‌بینید، همین است. «و لن تجد لسنة الله تبدیلا و لن تجد لسنة الله تحویلا (سوره فاطر آیه ۴۳)» (۱۵/۱۱/۱۳۸۱- بیانات در دیدار مسئولان سازمان صداوسیما).

در تاریخ ایران، یکی از حکومت‌هایی که به دلیل ماهیت شیعی و وجود ارتباط وثیق بین دین و سیاست در اداره جامعه ذیل قلمرو آن، می‌تواند واجد شباهت‌هایی با نظام جمهوری اسلامی ایران باشد، حکومت صفویه است، که نقش مهمی در ساخت تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران ایفا کرده است. صفویه در طول بالغ بر دو‌یست سال حکومت خود بر ایران، از زمان تأسیس تا دوره تثبیت، و از عصر شکوفایی تا دوره انحطاط و زوال، يك دوره درس عبرت‌آموز و کارگاه تجربه سیاسی و اجتماعی است که ساکنان امروز این مرزوبوم نسخه‌هایی در راستای حفظ و ارتقاء عزت و شوکت و اعتلای ایران اسلامی می‌دهد.

نخستین پرسشی که این پژوهش می‌بایست بدان پاسخ دهد این است که در میان تمامی آثار و متون تاریخی‌ای که در مورد برآمدن و سقوط سلسله‌ها و دولت‌ها نگاشته شده، چرا این پژوهش، رساله «طب الممالک» را به‌عنوان متن مرجع خود برگزیده و مورد تحلیل قرار داده است؟ در پاسخ باید به این نکته توجه کرد که یک پژوهش‌آنگاه که می‌خواهد از میان متون تاریخی، متنی را در راستای تحلیل مقطعی از تاریخ برگزیند تا نتایج آن به کار نیازهای روز بیاید، باید در جستجوی اثری برآید که چند ویژگی کلیدی داشته باشد:

نخست آنکه در مجموع، رویکرد حاکم بر سند تاریخی و نوع نگاه نویسنده آن به وقایع و زمینه‌های وقوع آنها و راهکارهای مقابله با چالش‌های سیاسی - اجتماعی، واجد اشتراکات و سنخیت‌های معناداری با اقتضائات زمانی و مکانی عصر حاضر و نیازهای روز نظامات سیاسی - اجتماعی کنونی باشد و در واقع،

تحلیل‌ها و نسخه‌های تجویزی آن در مقام پایه‌ای، بتواند به کار نظام مسائل جامعه امروز بیاید. دوم آنکه متن انتخاب‌شده بایستی اتقان، اعتبار و سندیت داشته باشد؛ سوم آنکه از ویژگی هم‌عصری و قرابت زمانی با مقطع مورد تحلیل برخوردار باشد؛ چهارم هم آنکه، نویسنده آن در زمره رجال شناخته‌شده، عالم و متبحر قرار داشته باشد.

با عنایت به این ویژگی‌ها، رساله «طب‌الممالک» اثر «قطب‌الدین نیریزی» یکی از بهترین آثاری است که متناسب با عنوان و سؤال اصلی تحقیق، امکان و ظرفیت انتخاب و تحلیل را داراست. آنچه اهمیت این رساله را پررنگ‌تر می‌کند، این است که یک اندیشمند و عالم دینی که دغدغه بسط نظری و عملی آموزه‌های سیاسی بر محور نهج‌البلاغه را داشته و در عصر سقوط صفویه می‌زیسته، در قبال یک حکومت داعیه‌دار شیعی، نقاط ضعف آن را بر مبنای آنچه دیده تشریح و آسیب‌شناسی می‌نماید و تجویزهایی نیز بر اساس آموزه‌های شیعی و نهج‌البلاغه (به ویژه با استفاده از عهدنامه مالک اشتر) با غلبه رویکرد اخلاقی و عرفانی، برای نجات حکومت رو به افول صفویه ارائه می‌کند.

تحلیل‌ها و تجویزهای این عالم دینی عصر صفوی در سطحی از درونمایه ارزیابی می‌شود که می‌تواند در حوزه آسیب‌شناسی و تهدیدزدایی یاری‌گر حال و آینده حکومت‌های دینی به ویژه انقلاب اسلامی باشد. در پژوهش حاضر، نویسندگان در راستای هدف تحقیق، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، نخست فیش‌های مرتبط با موضوع را از متن رساله طب‌الممالک به دست آورده و سپس ضمن مرور فیش‌ها، مضامین و مفاهیم مرتبط را با استفاده از نرم‌افزار MaxQDA بررسی کرده و خروجی را در قالب جداول تحلیلی، نمودارهای آماری و در نهایت الگوی نهایی پژوهش ارائه کرده‌اند.

۱- ادبیات نظری

۱-۱- انحطاط در لغت و اصطلاح

واژه انحطاط به لحاظ لغوی، عربی بوده و معنی الزام دارد. امروزه واژه انحطاط که از (ح ط ط) گرفته شده است در زبان عربی معادل دوران پست، عقب‌ماندگی، پاشیدگی و تنزل تعریف می‌شود (جبران، ۱۳۹۲: ۲۹۸) و در فرهنگ‌های فارسی به معنی فرو افتادن، فرو آمدن، پست‌شدن و پستی‌گراییدن استفاده شده است و انحطاط فکر را به معنی پستی‌اندیشه گرفته‌اند (معین، ۱۳۸۵: ۳۷۰). این کلمه در معنی اصطلاحی، تکیه بر معنی لغوی خود داشته، و به صورت ذیل معنی گردیده است: افول از معیارهای شناخته‌شده کمال؛ یا شرایط جامعه که در آن ارزش‌ها، رسوم، اعتماد و... به علت... فرسودگی اخلاقی و روحی در حال سقوط و زوال است (آقابخشی و افشاری، ۱۳۸۳: ۱۶۴).

باتوجه به تعاریف اصطلاحی انحطاط، به نظر می‌رسد تعریفی جامع‌تر این است که انحطاط عبارت است از سقوط ارزش‌های اخلاقی از جایگاه اصلی و دگرگونی باورها و هنجارهای اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی در جامعه (حسینی، ۱۳۹۷: ۳).

۲-۱- قطب‌الدین نیریزی

قطب‌الدین نیریزی (۱۱۰۰-۱۱۷۳) یکی از اقطاب سلسله دَهَبیه است و از فلاسفه به نام این دوره است (خدابنده و پناهی، ۱۳۹۹: ۹) وی آثار متعددی در زمینه‌های طب، ریاضیات، منطق، حکمت نظری و علوم دینی بر جای گذاشته است (رك: ابوالحسنی، ۱۳۸۱). درگیری‌هایی میان صوفیه و فقها در اصفهان، بر اندیشه قطب‌الدین تأثیر زیادی داشته و او طبعاً به دلیل تعلق خاطر به عرفان، و نیز ملاحظه فشارهایی که بر طریقت وی و استادانش بوده، شدیداً آزرده خاطر بوده است. علاوه بر این، وی تجربه تلخ سقوط اصفهان را به چشم دیده و به دلیل ارتباطی که با برخی از شاهزادگان صفوی داشته، درگیر ماجرا شده بوده است. وی بنا به آنچه که از او نقل شده در این تماس‌ها کوشیده تا رهنمودهایی را عرضه کند. چنان که رساله طب الممالک را دقیقاً به همین قصد نگاشته است (جعفریان، ۱۱۱۲: ۱۳۷۱).

یکی از مواردی که احتمالاً باعث ورود نیریزی به اندیشه سیاسی شده، علاقه، شدید وی به نهج‌البلاغه به‌عنوان یکی از عزیزت‌گاههای اندیشه

۲- پیشینه پژوهش

در راستای بررسی پیشینه پژوهش حاضر میتوان ضمن دسته‌بندی اولیه پیشینه موجود در دودسته آثار مرتبط با اندیشه قطب‌الدین نیریزی و آثار مرتبط با حکومت صفویان می‌توان به تبیین نوآوری‌های پژوهش حاضر نسبت به آنها پرداخت. در مورد آثاری که صرفاً به بررسی تاریخ صوفیه پرداخته‌اند به صورت کلی میتوان چنین بیان کرد که نوآوری اثر حاضر در نگاهی مسئله‌مند و تلفیقی به اندیشه سیاسی قطب‌الدین نیریزی است. اما در مورد پیشینه موجود در حوزه اندیشه قطب‌الدین نیریزی میتوان چنین اظهار کرد که بیشتر آثار نگاشته شده مربوط به پژوهشگران حوزه فلسفه و عرفان اسلامی از جمله: بررسی دیدگاههای عرفانی سید قطب‌الدین حسینی نیریزی (امامی و شمس، ۱۳۸۴)، نگاهی اجمالی بر احوال و آثار عارف ربانی علامه سید قطب‌الدین محمد حسینی نیریزی (ابوالحسنی، ۱۳۸۱) و ... می‌باشد.

در این میان مرتضی یوسفی‌راد در کتاب اندیشه سیاسی قطب‌الدین شیرازی (یوسفی‌راد، ۱۳۸۶) تلاش کرده است ضمن تمرکز بر وجوه سیاسی اندیشه قطب‌الدین نیریزی مبانی فلسفه سیاسی این متفکر را با بررسی متون برجای مانده از او تبیین کند. همچنین در اثر عرفان و راه برون‌رفت از بحران سیاسی در اندیشه سیاسی قطب‌الدین نیریزی نیز (خسروپناه و فدایی، ۱۳۹۱: ۱۰۹) نگارندگان تلاش کرده‌اند وجوه سیاسی - عرفانی قطب‌الدین نیریزی را به تصویر بکشند. در مجموع در راستای تبیین وجه نوآورانه پژوهش حاضر نسبت به این دو اثر می‌توان چنین بیان کرد که پژوهشگران در این پژوهش سعی کرده‌اند با رویکردی مسئله‌محور در راستای فهم علل انحطاط و راه‌کارهای مقابله با آن از لایه مبانی اندیشه سیاسی عبور کرده و شاخص‌های عملیاتی موجود را تبیین نمایند.

۳- روش پژوهش

روش تحقیق مجموعه‌ای از قواعد، ابزارها و راه‌های معتبر (قابل اطمینان) و نظام‌یافته برای بررسی واقعیت‌ها،

کشف مجهولات و دستیابی به راه‌حل مشکلات است. شناخت علمی از یک پدیده زمانی میسر خواهد شد که بر اساس مجموعه‌ای از شیوه‌ها و تدابیر علمی فراهم آید. در واقع شناخت به‌دست آمده، برآمده از اعتبار روشی است که برای دستیابی به شناخت اتخاذ می‌شود (دانائی فرد و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰-۲۴). از این رو انتخاب و اتخاذ یک روش علمی صحیح برای دستیابی به نتایج علمی و کاربردی در تحقیق از اهمیت زیادی برخوردار است. روشن است که روش‌شناسی صحیح یک تحقیق، اصل و اساس تحقیق را شکل می‌دهد که بدون توجه به آن، نتایج تحقیق حاصلی برای محقق نخواهد داشت. بنابراین تلاش محقق در به‌کارگیری یک روش علمی و عقلایی صحیح برای دستیابی به نتایج مطلوب ضروری است (بارل و مورگان، ۱۳۹۰: ۷۸).

باتوجه به متن محور بودن پژوهش حاضر نگارندگان از روش تحلیل مضمون که بیش از هر چیز برای منابع مکتوب کاربرد دارد (طاهری، ۱۳۸۰: ۱۷۰) استفاده خواهند کرد. کاربست این روش جهت تحلیل اندیشه سیاستمداران در کتاب‌ها، مطبوعات، متن سخنرانی‌ها، اسناد دولتی، یادداشت‌های غیررسمی و حتی نامه‌ها و خاطرات (سید امامی، ۱۳۹۱: ۳۸۱)، علت دیگری است که نویسندگان را نسبت به استفاده از این روش مصمم کرده است.

برنارد برلسون تحلیل مضمون را «روشی برای مطالعه عینی، کمی و سیستماتیک فرآورده‌های ارتباطی (محتوای آشکار پیام) جهت رسیدن به تفسیر» تعریف کرده است (کرپیندورف، ۱۳۷۸: ۲۶). در این روش عناصر موردنظر پس از گردآوری وارد مرحله طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل می‌شوند. باتوجه به وجود دو شرط عینیت و نظام‌داری بودن در این روش، سایر پژوهشگران نیز قادر خواهند بود با استفاده از روش‌های یکسان و اطلاعات مشابه، به نتایج مشابهی برسند (سرمد، ۱۳۷۹: ۳۹۰).

در راستای کشف و تبیین نگاه موجود در رساله طب الممالک نسبت به عوامل انحطاط تمدن‌ها و همچنین راهکارهای ارائه داده شده در راستای جلوگیری از آن، ابتدا متن رساله چندین مرتبه مطالعه و در هر دور مطالعه فیش‌های که مرتبط با موضوع استخراج و مضامین مدنظر استخراج و کدگذاری شد. در گام بعدی با بهره‌گیری از وجوه مشترک موجود میان مضامین تعدادی از آن‌ها که دارای اشتراک و نزدیکی بیشتری هستند، تحت یک عنوان کلی‌تر دسته‌بندی می‌شوند که به آن‌ها «مفهوم» (Concept) گفته می‌شود (جدول شماره ۲). در مرحله بعد و به‌منظور انجام مرحله «مقوله‌بندی» (Categorization) برای رسیدن به اصولی عام‌تر، چند مفهوم که دارای اشتراکات بیشتری هستند، تحت عنوان یک «مقوله» (Cat-egories) جمع شده و یک اصل عام را تشکیل می‌دهند (جدول شماره ۳).

در راستای کدگذاری هر یک از مضامین احصا شده برای سهولت ارجاع و شناخت و پرهیز از تکرار، با یک نشان‌گر منحصر به فرد مشخص می‌شوند. در این پژوهش باتوجه به اینکه مضامین به دو دسته کلی عوامل انحطاط و راهکارهای جلوگیری از آن قابل تقسیم‌بندی بودند با استفاده از نمادهای So^2 و Fa^1 نشانه‌گذاری شده و عدد پس از آن نیز شمارنده تعداد مضامین موجود در هر یک از این دو دسته خواهد بود.

۴- تحلیل مضمون رساله طب الممالک

با تکیه بر گام‌های روشی بیان شده در قسمت روش تحقیق در راستای کشف مضامین موجود متن رساله طب الممالک تقطیع و مضامین موجود در هر بخش استخراج و فرآیند کدگذاری توسط پژوهشگر انجام شده که بخشی از نتیجه آن در جدول شماره یک ارائه شده است:

کد	مضمون	متن مستخرج از رساله طب الممالک
So01	حمایت علما از مستضعفین	اکنون اندیشمندان باید به تفکر برخیزند و برپادارنده قسط باشید و گواهانی برای خدا، حتی اگر بر ضد خودشان، پدر یا مادر و یا نزدیکانشان باشد».
So02	پیگیری منافع عمومی	
So03	حفظ اتحاد	اکنون حتی مصالحه و مسالمت میان دو فرقه، برای حفظ جان مسلمانان و خلاصی از قحطی و خشکسالی، ننگ نیست.
So04	فتوا دادن بر اساس اقتضائات زمان	
Fa01	بی توجهی به صاحبان حرف	اکنون فریاد کوچ در میان ما برخاسته؛ دیگر در این دیار جز اندکی از رعیت بر جای نمانده؛ خراج دهندگان، تجار و اهل صنعت و فقرا و مساکین همه از میان رفته اند، آن چنان که از خانه‌ها و بازارها جز صدای آه و ناله بگوش نمی‌رسد.
Fa02	رذائل اخلاقی سلطان	اگر شاه فردی مصمم و صاحب اراده نباشد، از آن کسانی که در سخن و تعهدات خود استوارند و بدین صفات در سرزمینش شهرت نیابد، عده‌ای بی سروپا در حکومت او طمع خواهند ورزید، در این صورت، آیا آنها که موقعیت برتر دارند، همچون رومیان عثمانی‌ها و هندیان و جز آنها، طمع در ملک او نخواهند کرد؟
Fa03	طمع بیگانگان	
Fa06	آزمایش الهی	البته شما را به اندکی ترس و گرسنگی و بینوایی و بیماری و نقصان در محصول می‌آزمایم و شکیبایان را بشارت ده.

So05	امداد الهی	امروز تنها رحمت حق تعالی نگاهدارنده ماست.
So06	روشنگری علما	ای برادران ایمانی و ای علمای طریق امیر مؤمنان علیه السلام در این رخداد، برماست تا خطبه قاصعه را از آن امام برخوئیم تا از سر خود تاج فخر و استکبار را برداشته و در برابر خدای پیروز با قدرت، تواضع کنیم تا آنکه تمامی دین برای خدا باشد. در این موج های فتنه نجات جز با کشتی های نجات - که همان ائمه هدایتگر هستند. ممکن نیست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مثل اهل بیت من چونان کشتی نوح است؛ کسی که بر آن سوار شد نجات یافت و آن کس که تخلف کرد، هلاک گردید».
So07	استکبار ستیزی علما	
So08	الگوگیری از معصومین	
So09	امداد الهی	ای پروردگار ما! میان ما و قوم ما، به حق، راهی بگشا که بهترین راهگشایان هستی.
Fa07	عذاب الهی	ای علمای دین خدا و شیعة آل رسول خدا! همانا طلیعه فتنه کور آشکار شده، بلا نازل گردیده، نعمت تغییر یافته، خونها ریخته شده و فرزندان و زنان شیعه همچون بردگان و کنیزکان به اسارت رفته اند. سرتاسر کشور به انواع دردها بیمار گشته، آن چنان که پزشکان از درمانش عاجز مانده اند و آرای زیرکان و عاقلان در درمانش به اختلاف و سرگشتگی در افتاده، آن چنان که برای این درد کشنده درمانی نمی یابند. در این زمان که زمان سرگشتگی و غیبت امام است، چاره ای جز درمان با کتاب خدای نیرومند دانا، و جز پیروی از احادیث ائمه معصوم - این دعوتگران به خدا در حیات و مماتشان - در چنین مصیبت های بزرگی نیست.
Fa08	تغییر نعمت	
Fa09	فراگیر شدن ظلم	
So10	تمسک به فرامین قرآن	
So11	الگوگیری از معصومین	

So14	اجرای دستورات اصیل شرع	آن زمان که ما به دستورات خدا عمل کردیم و بر پایه آن کتاب و فتوایی نگاشتیم و تمامی مان آن را مهر کردیم، اختلافی در سخن مان نداشتیم، ان شاء الله، هیچ یک از توده مردم، نسبت به آنچه خداوند و امیرمؤمنان علیه السلام درباره مصلحت حکومت، ملت، دین و دولت فرمود، با ما از در مخالفت در نخواهد آمد.
So15	حفظ اتحاد	
So16	پیروی از علمای راستین	
So17	فتوا دادن بر اساس اقتضائات زمان	
Fa14	آزمایش الهی	بر شما باد که از سستی درباره حق پرهیز کنید؛ بر شما باد که از سستی درباره حقی پرهیز کنید؛ بر شما باد که از سستی در باره حق پرهیز کنید: «و بترسید از فتنه ای که تنها ستمکاراتتان را دربر نخواهد گرفت».
So18	حق طلبی	
Fa15	فراگیر شدن رذائل اخلاقی	بسیاری از مردم از گرسنگی و قحطی مرده اند؛ اما آنان که هنوز از دنیا بهره‌ورند، اسراف کنندگان و ثروتمندان غافل مرفه، اکنون بر این باور و گمانند که ایمن خواهند بود غیرت الهی اجازه نخواهد داد که پس از مرگ بیچارگان و فقیران، اینان، از تبعات این مصیبت در امان بمانند.
Fa16	قحطی فراگیر	
So19	نیکوکاری	
Fa17	قحطی فراگیر	به درستی است که امری بزرگ و تاریک فرا رسید و نزدیک است که قحطی نیز بدنبالش باشد.
So29	روشنگری علما	پس بر ماست تا اسباب خرابی و بی نظمی و نشانه های آن و نیز درمانش را، با استمداد از کتاب خدا و کلمات معصومین یادآوری کنیم تا مردم نگویند که ما از این امر در غفلت هستیم.
So30	الگوگیری از معصومین	
So31	تمسک به فرامین قرآن	

So37	مقید کردن حکومت	در حدیث آمده که برای هر امر مشکلی قرعه وجود دارد که شما نیز پس از قرعه بر یک شاه از این سلسله بزرگوار صفوی آراء تان را یکپارچه کنید و بر اساس آنچه امیرمؤمنان علیه السلام مالک اشتر را بدان دستور داده و از او تعهد گرفته، درباره مسائلی چون: «گردآوری خراج، پیکار با دشمنان، سامان دادن کار مردم و آباد کردن شهرها، از شاه میثاق بگیرید.
So38	الگوگیری از معصومین	
Fa26	فراگیر شدن رذائل اخلاقی	دلایل خرابی و نشانه‌های آن اسباب (خرابی) همان است که امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «ای مردم! همانا دنیا آرزو مند و خواهان خود را فریب می‌دهد، آن را که در خواستن وی با دیگران همچشمی کند؛ عزیز نمی‌دارد، و کسی را که بر او چیرگی جوید، مغلوب می‌سازد، و به خدا سوگند هرگز مردمی زندگانی خرم و نعمت فراهم را از کف ندادند مگر به کیفر - گناهایی که انجام دادند که خدا بر بندگان ستمکار نیست.
Fa27	فراگیر شدن گناه	
Fa31	عالمان سست	شماها تا چه زمانی سستی میکنید؟ تا کی در امر دین خدا تسامح می‌ورزید و گروهی تان از مردم هراس دارید به همان اندازه که از خدا و یا حتی بیشتر آن را که امامتان امیر مؤمنان علیه السلام فرموده: «با صدای بلند اعلام کنید و سستی نکنید و اندوهگین باشید؛ زیرا اگر ایمان آورده باشید، برتری خواهید جست».
Fa32	عالمان سخن بین	
Fa33	فراگیر شدن تسامح در امور دین	
So44	ایمان به خدا	
So45	امر به معروف و نهی از منکر	

Fa34	عالمان بی عمل	عالمی که به جز علمش عمل کند، همانند جاهل سرگشته ای است که از جهل خویش رهایی نیابد؛ بلکه بر این باورم که حجت بر او سخت تر، و حسرت بر چنین عالمی که از علم خویش جدا گشته، بیش از آن جاهل سرگشته در جهلش میباشد و هر دوی آنان حیران و بی خاصیت اند. تردید نکنید که گرفتار شک خواهید شد و شک نکنید که کافر خواهید شد، نفس تان را رخصت ندهید که به سستی خواهد گرایید و درباره حق سستی نکنید که خسارت خواهید دید.
Fa35	عالمان سست	
Fa36	فراگیر شدن رذائل اخلاقی	
Fa41	فراگیر شدن کفران نعمت	کفران نعمت خدا کردن و خدا به کیفر اعمالشان به گرسنگی و وحشت مبتلایشان ساخت.
So49	روشنگری علما	گر عقلای قوم آتش آن فتنه را خاموش نکنند، چه بسا آتش هیزم آن باز شعله به آسمان کشد.
So50	مقید کردن حکومت	لازم است تا بر اساس این معاهده، کاتبی عادل، بندی بنگارد میان شاه، ما علما و رعیت؛ و این سند، به تمامی بلاد فرستاده شود.
Fa43	فراگیر شدن عدم تبعیت از عالمان	ما امر به معروف و نهی از منکر را رها کردیم و پیروی از پاکان و برگزیدگان اهل بیت نکردیم، از خواسته های نفس خویش پیروی کردیم، با اهل گناه معامله کرده و با خشم خدا خشمگین نشدیم، تا آنجا که بیش تر عوام آیات خدا را به استهزاء گرفتند، زندگی دنیا آنان را فریب داده و حتی دستهای از خواص کتاب خدا را پشت سرانداختند تا به بهای اندکی دست یابند؛ آنگاه بود که ما از راه ائمه معصومین علیهم السلام دوری جستیم و به ستمگران، برای دستیابی به جاه و عزت نزد سلاطین و امراء تکیه کردیم و به قومی که پیش از این از رفاه طلبان بودند، نزدیک شدیم تا به کمک آنان از دنیا بهره ور شویم.
Fa44	فراگیر شدن تسامح در امور دین	
Fa45	فراگیر شدن تبعیت از ظالمان	
Fa46	فراگیر شدن رذائل اخلاقی	

Fa47	عذاب الهی	ما کتاب خدا را در میان خود جز اوراق پراکنده نمی بینیم که خداوند از زبان رسولش فرمود: «ای پروردگار من! قوم، ترک قرآن گفتند»؛ چه بسا دشمنان بر ما غلبه یابند و نباید در این شک کنیم که: «... چون به قریه ای در آیند، تباهش میکنند و عزیزانش را ذلیل می سازند، آری چنین کنند و چنین خواهند کرده و انسان نمیداند که فردا چه خواهد شد».
Fa48	فراگیر شدن تسامح در امور دین	
So51	دعوت مردم به اجرای دستورات شریعت	مردم را با حکمت و پندهای نیکو به راه خدا دعوت کنید، بشارت و انذار، و زیادتان را در پنهان و آشکار یکسان سازید.
So52	امر به معروف و نهی از منکر	
Fa49	آزمایش الهی	مردم! همانا، خدا شما را پناه داده و بر شما ستم روا ندارد، اما پناهتان نداده که در بوته آزمایشتان در نیارد.
Fa50	عذاب الهی	هر کسی نیز به کار آنان رضایت دهد؛ در گنااهش با آنان شریک خواهد بود، آن چنان که امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «مردم! خشنودی و خشم، همگان را در - پیامد یک امر - شریک سازد. چنان که ماده شتر صالح را یک تن پی نمود و خدا همه آنان را عذاب فرمود؛ چرا که همگی آن کار را پسندیدند و خدای سبحان فرمود: «ماده شتر را پی کردند و سرانجام پشیمان شدند».
Fa51	فراگیر شدن تبعیت از ظالمان	
Fa52	ترک امر به معروف و نهی از منکر	

Fa56	رذائل اخلاقی سلطان	و همانا دانستید که سزاوار نیست بخیل، بر ناموس و جان و غنیمتها و احکام مسلمانان ولایت یابد و امامت آنان را عهده دار شود تا در مالهای آنها حریص گردد؛ و نه نادان تا به نادانی خویش مسلمانان را به گمراهی برد؛ و نه ستمکار تا به ستم، عطای آنان را برد و نه بی عدالت در تقسیم مال تا به مردم بیخشد و مردمی را محروم سازد و نه آن که به خاطر حکم کردن، رشوت ستاند تا حقوق را پایمان کند و آن ترساند و نه آن که سنت را ضایع و امت را به هلاکت دراندازد.
Fa57	ضایع کردن سنتها	
Fa58	ترک امر به معروف و نهی از منکر	و اگر آنان امر به معروف و نهی از منکر نکردند و پیروی نیکان از اهل بیت علیهم السلام نکردند؛ خداوند، اشرار آنان را بر آنها مسلط می کند. در آن زمان، اگر پاکان آنان [نیز] دعا کنند، دعایشان مستجاب نخواهد شد.
So57	توبه	و هر که کاری ناپسند کند یا به خود ستم روا دارد، آنگاه از خدا آمرزش خواهد، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت.

جدول شماره (۱) (نمونه مضامین استخراج شده)

در ادامه و درگام دوم ضمن مرور مضامین مستخرج مواردی که دارای وجود قرابت بیشتری هستند کنار هم قرار گرفته و ذیل يك مفهوم تعریف می‌شوند (جدول شماره دو)

ردیف	مفهوم	مضمون	کدهای مرتبط
1	رهکارهای قرآنی	امداد الهی	So05-So09-So13-So33-So34
		ایمان به خدا	So12-So44
		توبه	So21-So27-So54-So57
2	رهکارهای مرتبط با حاکمیت	شکر نعمات الهی	So41
		ارتباط مستقیم با مردم	So55
3	رهکارهای مرتبط با علما	سفید کردن حکومت	So37-So50
		اجرای دستورات اصل شرع	So14-So35-So48
		استکبار ستیزی علما	So07-So25
		الگوگیری از معصومین	So08-So11-So30-So38-So46
		بیگنری منافع عمومی	So02
		تسکین به فرامین قرآن	So10-So31-So40
		حفظ اتحاد	So03-So15-So23
		حمایت علما از مستضعفین	So01-So24-So36
		دعوت مردم به اجرای دستورات شریعت	So51
		روشنگری علما	So06-So29-So42-So49-So56
		قتل دادن بر اساس اقتضات زمانی	So04-So17
		مسئولیت پذیری علما	So26-So53
		اسلاح درونی جاسمه	So20
4	رهکارهای مرتبط با عموم مردم	امر به معروف و نهی از منکر	So45-So52
		پیروی از علمای راستین	So16-So28-So39-So43
		حق طلبی	So18
		قیام مرتضی	So32-So47
		تیکوکاری	So19-So22
5	رهکارهای الهی	آزمایش الهی	Fa06-Fa14-Fa49
		تغییر نعمت	Fa08
6	عوامل معجزی	عذاب الهی	Fa07-Fa10-Fa12-Fa21-Fa47-Fa50
		طمع بیگانگان	Fa03
7	عوامل مرتبط با حاکمیت	فحش فراگیر	Fa16-Fa17
		بی توجهی به صاحبان حرف	Fa01
		ردائل اخلاقی سلطان	Fa02-Fa04-Fa23-Fa56
8	عوامل مرتبط با علما	شایع کردن سخنان	Fa05-Fa57
		فساد امیران	Fa24
		عالمان بی عقل	Fa34
		عالمان بیرو سلطان	Fa28
		عالمان دنیا طلب	Fa30
		عالمان سخن بین	Fa32
		عالمان بی‌زاده	Fa31-Fa35
		ترک امر به معروف و نهی از منکر	Fa25-Fa42-Fa52-Fa54-Fa58
9	عوامل مرتبط با عموم مردم	ظهور بدعت فرخین	Fa29
		عدم قیام فراگیر	Fa38
		فراگیر شدن ردائل اخلاقی	Fa15-Fa18-Fa26-Fa36-Fa37-Fa39-Fa46
		فراگیر شدن گناه	Fa27
		فراگیر شدن نجسیت از ممالک	Fa22-Fa40-Fa45-Fa51
		فراگیر شدن تسامح در امور دین	Fa13-Fa33-Fa44-Fa48-Fa53
		فراگیر شدن ظلم	Fa09-Fa11-Fa19-Fa20-Fa55
		فراگیر شدن عدم تبعیت از عالمان	Fa43
		فراگیر شدن کفران نعمت	Fa41

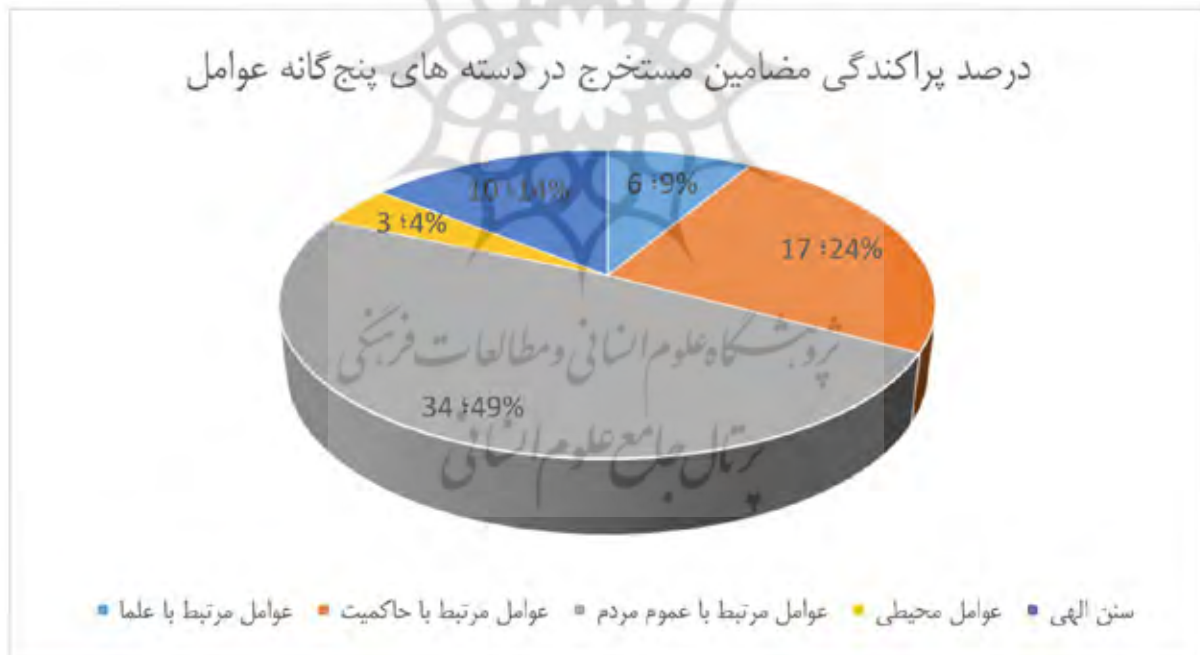
در نهایت و به‌عنوان آخرین بخش از تحلیل و دسته‌بندی مضامین با کنار هم گذاشتن مفاهیم به دست آمده در مرحله قبل می‌توان همه مفاهیم موجود در رساله طب الممالک را ذیل دو عنوان عوامل انحطاط تمدن صفویه و راهکارهای مقابله با آن دسته‌بندی کرد، دسته اول یا همان عوامل انحطاط تعداد ۷۰ کد و راهکارهای مقابله نیز ۵۷ کد را به خود اختصاص داده‌اند (جدول شماره سه).

عنوان	مفهوم	کدهای مرتبط	عنوان	مفهوم	کدهای مرتبط
عوامل	سنت‌های الهی	S005-S009-S013-S033-S034 S012-S044 S021-S027-S054-S057 S041	عوامل محیطی	راهکارهای فرامادی	S055 S037-S050
	عوامل مرتبط با	S014-S035-S048 S007-S025 S008-S011-S030-S038-S046 S002 S010-S031-S040 S003-S015-S023 S001-S024-S036 S051 S006-S029-S042-S049-S056 S004-S017 S026-S053	عوامل مرتبط با	راهکارهای مرتبط با علما	S020 S045-S052 S016-S028-S039-S043 S018 S032-S047 S019-S022
	عوامل مرتبط با عموم مردم	راهکارهای مرتبط با عموم مردم			
راهکارها					

۱-۴- عوامل انحطاط

در طول تاریخ تمدن‌های زیادی ظهور کرده به مرحله شکوفایی رسیده اما در نهایت وارد سرازیری انحطاط و زوال شده‌اند. این انحطاط بواسطه کنار هم قرار گرفتن رشته‌ای از عوامل داخلی و خارجی که موجب بروز ناسازگاری‌هایی در بخش‌های مختلف جامعه می‌شود رخ می‌دهد. در علم تاریخ و بیش تر در فلسفه تاریخ به مسئله چگونگی انحطاط اشاره می‌شود و تحلیل گران تاریخ به بررسی این علل و عوامل می‌پردازند (آقاخانی، ۱۳۹۳: ۳۰).

در این میان اندیشمندان متعددی سعی کرده‌اند با بررسی شرایط و اوضاع اجتماعی دوران انحطاط تمدنی عوامل موثر در این مسئله را تبیین کنند. با توجه به خروجی فرآیند تحلیل محتوای رساله طب الممالک مشخص شد که قطب الدین نیریزی نیز در همین راستا به عوامل متعددی که در انحطاط صفویه نقش ایفا کرده بودند اشاره کرده است. با دسته‌بندی عوامل به دست آمده می‌توان آنها را ذیل پنج دسته: عوامل مرتبط با علما، عوامل مرتبط با حاکمیت، عوامل مرتبط با عموم مردم، عوامل محیطی و در آخر آزمایش و سنت‌های الهی طبقه بندی کرد که خروجی آماری آن در نمودار شماره یک قابل مشاهده است.

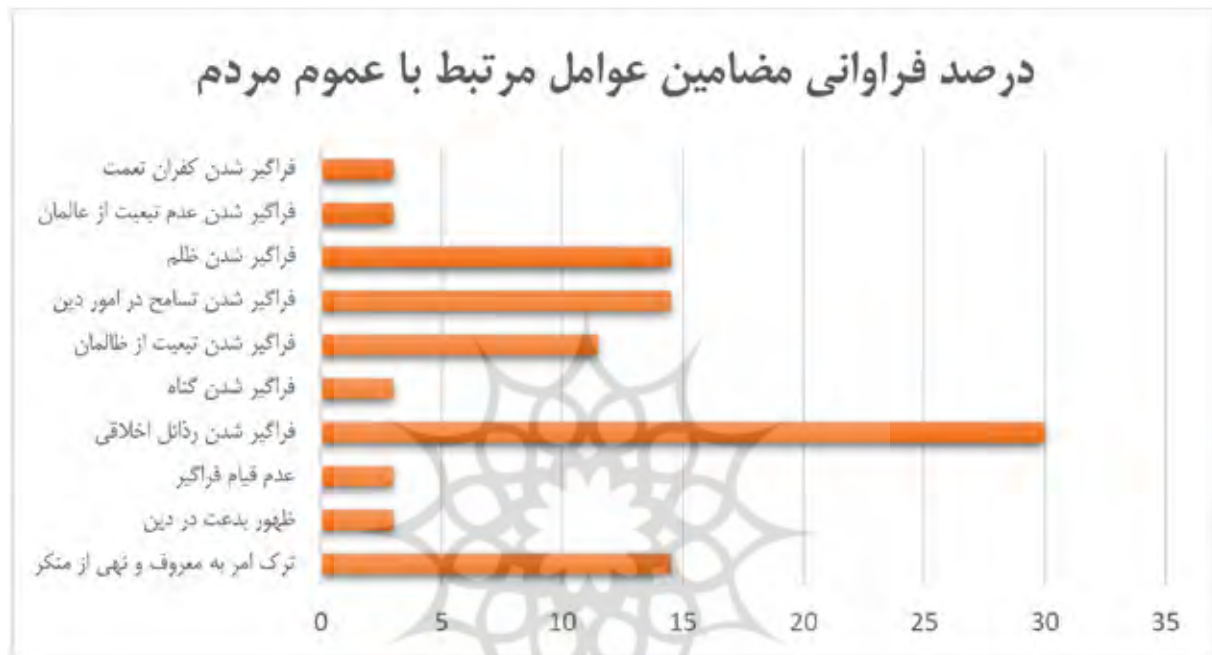


نمودار شماره ۱

۱-۴-۱- عوامل مرتبط با عموم مردم

قرارگرفتن جوامع در مسیر صعود یا افول تمدنی تابعی از اقدامات عمومی و فراگیر مردم در جامعه است. جایگاه این مهم در تحلیل صورت پذیرفته نیز با توجه به حجم مضامینی که به خود اختصاص داده قابل فهم است. عوامل مربوط به عموم مردم که در رساله طب الممالک مورد اشاره قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از:

ترک امر به معروف و نهی از منکر، ظهور بدعت در دین، عدم قیام فراگیر، فراگیر شدن رذائل اخلاقی، فراگیر شدن گناه، فراگیر شدن تبعیت از ظالمان، فراگیر شدن تسامح در امور دین، فراگیر شدن ظلم، فراگیر شدن عدم تبعیت از عالمان و فراگیر شدن کفران نعمت (نمودار شماره دو). در ادامه به تبیین برخی از مهمترین این عوامل خواهیم پرداخت.



نمودار شماره ۲

از بین رفتن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه که عموماً به واسطه بی‌تفاوتی حاکمان نسبت به آنها رخ می‌دهد سبب می‌شود ملکات اخلاقی از ارزش تهی شده و عامه مردم گرفتار فساد اخلاقی و تزویر و سایر صفات رذیله خواهند شد (فقیهی، ۱۳۶۶: ۴۴۱). از این رو گناه در جامعه فراگیر شده و از طرفی به واسطه ترک امر معروف و نهی از منکر سیر نزولی همه‌گیری ارتکاب گناه با سرعت بالایی پیش می‌رود. در نتیجه می‌توان چنین ادعا کرد که ترک امر به معروف و نهی از منکر زمینه ساز رشد هر ضد ارزشی را در جامعه فراهم کرده و نهایتاً زمینه ساز انحطاط قطعی آن تمدن خواهد شد (معینی‌نیا، ۱۳۷۹: ۷۳).

یکی دیگر از عوامل مرتبط با عموم مردم مسئله فراگیری ظلم و انظلام است. در صورتی فراگیری این مسئله عرصه برای یک‌تازی ستمکاران باز شده و به مرور ارزش‌های انسانی به محاق رفته (صدر، ۱۳۹۹: ۱۸۲) و تمدن‌ها را پس از طی دوره شکوفایی و به سوی انحطاط می‌کشاند (پیمان، ۱۳۸۵: ۲۱). البته باید توجه داشت که به علت مشکک بودن این مفهوم هر چه چقدر میزان آن بیشتر باشد جامعه بیشتر به سوی انحطاط خواهد رفت (رکن‌الدینی، ۱۳۸۳: ۶۸). در این میان به نظر می‌رسد انظلام قبیح‌تر از ظلم بوده و همان‌گونه که ظلم جامعه را به انحطاط دچار می‌کند انظلام و ظلم‌پذیری نیز جامعه را به انحطاط خواهند کشاند (خمینی‌امام، ۱۳۸۹: ۲۵۶).

قطب‌الدین نیریزی یکی دیگر از عوامل انحطاط را تسامح در امور دین بیان کرده؛ «شماها تا چه زمانی سستی میکنید؟ تا کی در امر دین خدا تسامح می‌ورزید و گروهی تان از مردم هراس دارید به همان اندازه که از خدا و یا حتی بیشتر آن» (جعفریان، ۱۳۷۱: ۱۳۴۷). این تسامح زمینه‌ساز مهجوریت اسلام و ظهور بدعت در جامعه شده است و سکوت عالمان دینی نیز در این مورد شتاب بیشتری به افول تمدنی خواهد داد.

عوامل مرتبط با حاکمیت

می‌توان از حاکمیت و در راس آن سلطان در فضای جامعه صفوی با توجه به بسط یدی که داشته به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین بازیگران موثر در فراز و فرود تمدن یاد کرد که فراوانی مضامین آن در نمودار شماره سه قابل مشاهده است.



نمودار شماره ۳

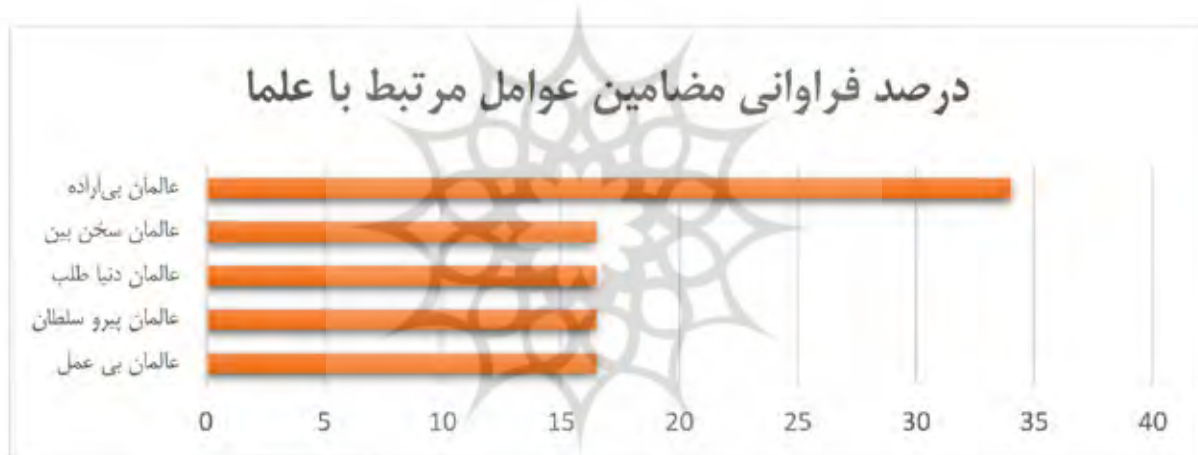
با توجه به خروجی به دست آمده از نرم‌افزار MaxQDA مشخص شده که در مورد سلاطین صفوی بیش از هر چیز به ریشه دواندن ردائیل اخلاقی مورد اشاره واقع شده است. این دسته شامل صفاتی از جمله: خودکامگی، ارتشاء، بی‌ارادگی، ترسو بودن، بخل، حرص، طمع و... می‌شود که آلودگی سلطان و حاکمیت به آنها می‌تواند یکی از علل اصلی انحطاط تمدن‌ها باشد. در میان این صفات باید توجه داشت که خودکامگی حاکمیت را به سمت بی‌قانونی و بی‌تعهدی نسبت به مردم سوق می‌دهد (ولایتی، ۱۳۸۳: ۱۵۰). همچنین بی‌تعهدی و پیمان شکنی حاکم اطمینان و اعتماد عمومی را به کلی سلب کرده و طبعاً مانع موفقیت و صعود تمدنی جامعه خواهد شد (تقوی دامغانی، ۱۳۸۷: ۲۷۴-۲۷۶).

فساد امیران و یا به عبارتی عدم رعایت شایسته سالاری در حاکمیت سبب می‌شود که اهداف و اغراض حکومت محقق نشده و در نتیجه ضمن کاهش کیفیت خروجی‌های حکومت و سلب اعتماد عمومی (ردادی، ۱۳۹۰: ۲۱۷)، جامعه را به سراشی انحطاط می‌کشاند. این مسئله به‌عنوان یکی دیگر از عوامل انحطاط صفویه که مرتبط با حوزه حاکمیت است مورد اشاره نگارنده رساله طب الممالک قرار

گرفته است. علاوه بر این نابودی صاحبان حرف بواسطه رکود تجارت داخلی و خارجی و همچنین تضییع سنت‌های موجود در جامعه نیز به‌عنوان دو عامل دیگر انحطاط صفویه که با طبقه حاکمیت در ارتباط هست مورد اشاره قرار گرفته است.

۲-۱-۴- عوامل مرتبط با علما

عالمان دینی به‌عنوان یکی از ارکان شکل‌گیری تمدن اسلامی در صورتی که نسبت به انجام وظایف خود دچار ضعف و سستی شوند نقش پررنگی در جهت انحطاط جامعه خواهند داشت. با توجه به مضامین به دست آمده پنج عامل: پیروی از سلطان، دنیا طلبی، بی‌عملی، سخن بینی و بی‌ارادگی علما، در کنار یکدیگر عوامل انحطاط جامعه که علما در آن نقش دارند را تشکیل می‌دهند که درصد فراوانی مضامین مرتبط با آنها در نمودار شماره چهار قابل مشاهده است.



نمودار شماره ۴

عالمان دینی به‌عنوان نخبگان مذهبی و ایدئولوژیکی، نقش به‌سزایی در سوق دادن جامعه به سمت افول یا صعود تمدنی دارند. حال اگر دنیاگرایی بین عالمان رواج پیدا کند باعث می‌شود آنها از اعتقادات مردم نسبت به هنجارها و ارزش‌های دینی برای کسب منابع مادی خویش، بهره‌برداری ابزاری کنند و بخش‌هایی از معارف و حقایق را در معرض اطلاع دیگران قرار ندهند و یا حتی آنها وارونه جلوه دهند.

۳-۱-۴- عوامل محیطی

در ادامه بررسی عوامل انحطاط تمدنی صفویه می‌توان از دو عامل قحطی فراگیر و همچنین طمع دشمنان و بیگانگان یاد کرد که در رساله طب الممالک مورد اشاره قرار گرفته‌اند. قحطی و فقر ضمن تاثیر گذاری در رفتار اجتماعی افراد جامعه آنها را به عناصری نامطلوب و بیهوده مبدل کرده که دچار ناامیدی شده‌اند. فراگیری این معزل در نهایت به‌عنوان یکی از عوامل موثر در انحطاط جوامع به شمار می‌آید. با تکثیر حس ناامیدی و در نهایت فروپاشی داخلی جامعه بیگانگان نسبت به قلمرو حاکمیت دچار طمع خواهند

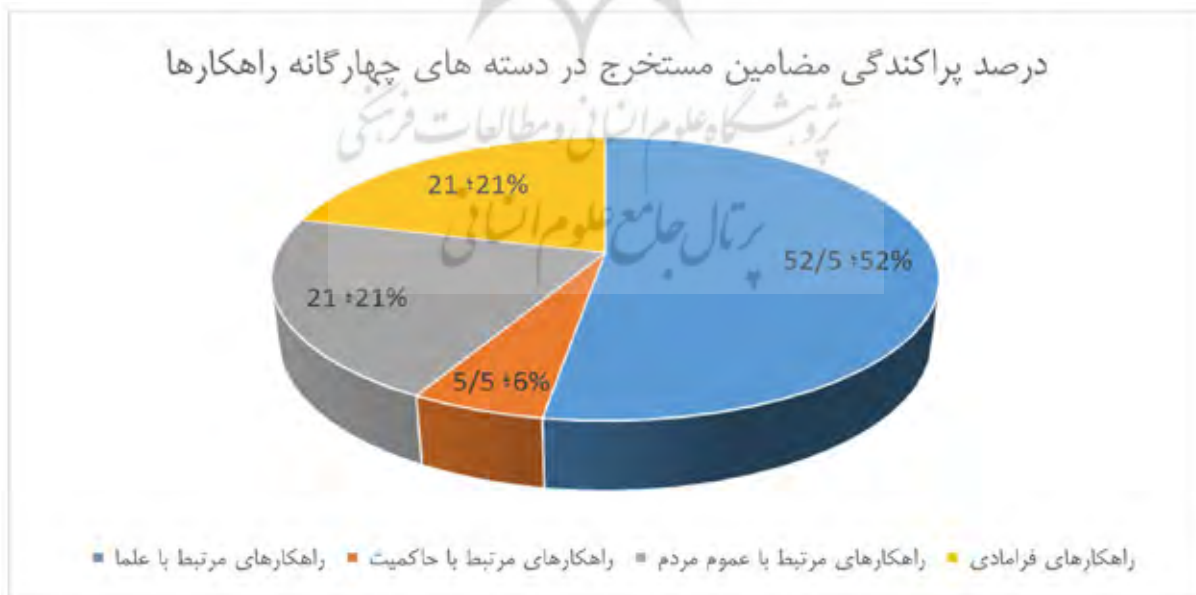
شد. طمع و تهاجم دشمنان چه به شکست بینجامد چه پیروز شوند موجب آشفتگی‌های فراوان خواهند شد که در نهایت اسباب انحطاط را ایجاد خواهد کرد (صانعی، ۱۳۹۵: ۳۵).

۴-۱-۴- آزمایش و سنت‌های الهی

سنت به معنای «راه و روش، طریقه و قانون» آمده است (دهخدا، ۱۳۴۵، ج ۳۲: ۶۴۶). سنت‌های الهی قانون‌هایی است خداوند امور عالم را بر پایه آنها تدبیر می‌کند (ر. ک، مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۴۲۵) و طریقه معمول و رایج است که به طبع خود غالباً یا دائماً جاری است (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۱۶، ص ۳۴۰). این سنت‌ها که بر مبنای نظام علی معلولی شکل می‌گیرند ارتباط مستقیمی با عملکرد انسان داشته و می‌توان با عبرت‌گیری از آنها مسیر حرکت جامعه را اصلاح کرد. این سنت‌ها در اثر فراگیری ظلم، تسامح در دین و... در قالب عذاب الهی بر جوامع نازل شده و نعمتها سلب می‌شوند و در نهایت امت‌ها به انحطاط و فروپاشی دچار می‌شوند.

۴-۲- راهکارهای مقابله با انحطاط

باتوجه به فرآیند تحلیل مضمون مشخص شد که بخشی از رساله طب الممالک متمرکز بر ارائه راهکارهایی جهت نجات جامعه و تمدن‌ها از مسیر انحطاط است. براساس دسته‌بندی انجام شده راهکارهای ارائه شده را می‌توان ذیل عناوین: راهکارهای مرتبط با علما، راهکارهای مرتبط با حاکمیت، راهکارهای مرتبط با عموم مردم و در نهایت راهکارهای فرامادی مطرح کرد (نمودار شماره پنج).



۱-۲-۴- راهکارهای مرتبط با عموم مردم

همانطور که در بحث عوامل رکود تمدن بیشترین تکیه بر عوامل مرتبط با عموم مردم بود در ارائه راهکارها نیز موارد مرتبط به عموم مردم در صدر مضامین مستخرج قرار دارد. بنابر اشارات قطب‌الدین نیریزی این بخش مشتمل بر: اصلاح درونی جامعه، امر به معروف و نهی از منکر، پیروی از علمای راستین، حق طلبی، قیام مردمی و نیکوکاری می‌باشد (نمودار شماره شش).



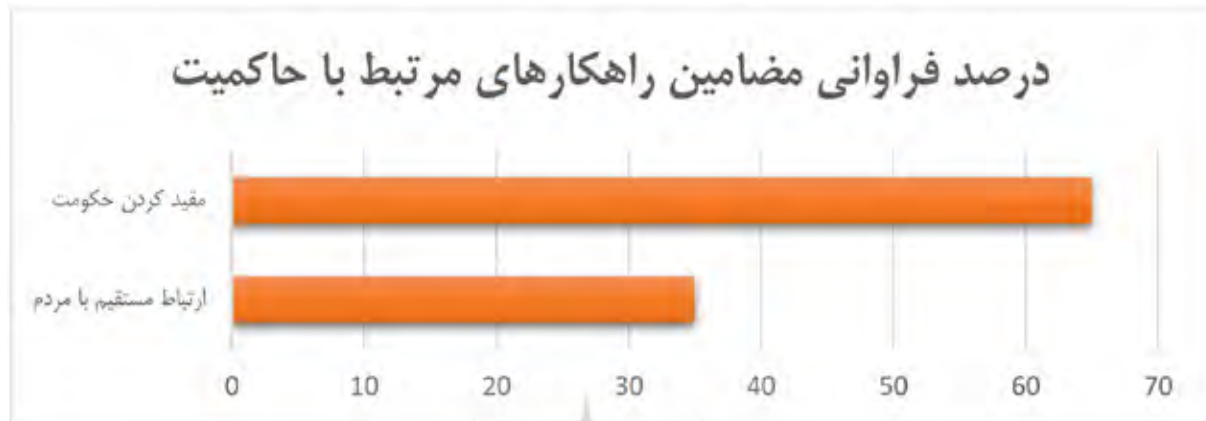
نمودار شماره ۶

خروج جامعه از فرآیند رکود با تکیه بر آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» جز با تغییر و اصلاح درونی جامعه ممکن نیست، از منظر قطب‌الدین نیریزی برجسته‌ترین راهکار در حوزه راهکارهای مرتبط با عموم مردم متوجه پیروی آنها از عالمان راستین و رهبران دینی است. البته باید توجه داشت این پیروی شامل همه افرادی خود را در زمره عالمان دینی می‌پندارند نمی‌شود و مردم باید دقت داشته باشند و با معیارهایی که در آموزه‌های دینی برای عالمان بیان شده است از عالمان راستین پیروی کنند. امر به معروف و نهی از منکر نیز به‌عنوان یکی از پایه‌های دین اسلام در اصلاح جامعه و پاسداری از قوانین الهی و جلوگیری از ظهور بدعت نقش به‌سزایی را ایفا می‌کند. البته باید توجه داشت که حوزه امر به معروف و نهی از منکر در عالی‌ترین مراتب خود متوجه سلاطین و حاکمان شده و در صورتی که آنها نسبت اصلاح رفتار اجتماعی خود نمایند لاجرم بر مردم واجب است که با قیامی فراگیری زمینه را برای برپایی نظامی بر مبنای قوانین الهی فراهم کنند.

۲-۲-۴- راهکارهای مرتبط با حاکمیت

در حوزه راهکارهای مرتبط با حاکمیت مضامین به دست آمده را می‌توان ذیل دو مفهوم کلی ارتباط حاکم با مردم و مقید کردن حکومت دسته‌بندی کرد (نمودار شماره هفت). البته باید توجه داشت با توجه به فساد شکل گرفته در راس هرم قدرت در جوامع‌ای که دچار انحطاط می‌شوند و همچنین شرایط زمانه‌ای نگارش رساله طب الممالک (فساد فراگیر شده در دربار سلطان حسین صفوی) هرچند راهکارهای منتسب به

حاکمیت از حیث اهمیت جایگاه ویژه‌ای دارند اما به علت درصد پایین احتمال اصلاح عملکرد حکمرانان، قطب‌الدین نیریزی صرفاً در حد اشاره‌ای مختصر از این مفهوم گذر می‌کند.



نمودار شماره ۷

در جامعه اسلامی اصل سیاست بر ارتباط مردم با حکومت استوار است و نوع ارتباط شکل گرفته بین مردم و زمامدار از مهم‌ترین وجوه حکومت به شمار می‌رود (مروتی و رضایی، ۱۳۹۲: ۲۶) تا آنجا که حضرت علی^{علیه السلام} در فرمان خود به مالک اشتر تصریح می‌فرماید که باید با مردم به همان نحوی که پدر و مادر از فرزندشان تفقد و دلجویی می‌کنند برخورد کرد (دشتی، ۱۳۸۶: ۴۰۵). قطب‌الدین نیریزی با تمسک به فرمایشات امیرالمومنین در رساله طب الممالک ضمن توجه به جایگاه ارتباط حاکم با مردم به لزوم مستقیم و بدون واسطه بودن آن نیز اشاره می‌کند:

«و بخشی از وقت خود را خاص کسانی کن که به تو نیاز دارند، خود را برای کار آنان فارغ دار و در مجلس عمومی بنشین و در آن مجلس برابر خدایی که تو را آفریده است، فروتن باش و سپاهیان و یارانت را که نگهبانانند با تو را پاسبان، از آن بازدار تا سخنگوی آن مردم، با تو گفتگو کند بی درماندگی در گفتار» (جعفریان، ۱۳۷۱: ۱۳۵۱). در بخش‌های دیگری از این رساله ایجاد تعهدی بین مردم، علما و سلطان را از راهکارهای برون‌رفت از انحطاط دانسته و ضمن آن خواستار مقید شدن حدود حکومت و نظارت افراد عادل جامعه بر حاکم می‌شود: «لازم است تا بر اساس این معاهده، کاتبی عادل، بندی بنگارد میان شاه، ما علما و رعیت؛ و این سند، به تمامی بلاد فرستاده شود» (جعفریان، ۱۳۷۱: ۱۳۴۸).

راهکارهای مرتبط با علما

همانطور که عالمان در صورت بی‌توجهی به وظایف اجتماعی خود می‌توانند جامعه را به سراشیب انحطاط بکشانند در راستای خروج از آن نیز نقش به‌سزایی را ایفا می‌کنند که این مهم در رساله مورد پژوهش نیز مورد توجه بوده است (نمودار شماره هشت).



نمودار شماره ۸

در صدر وظایف اجتماعی علما، می‌توان از روشننگری به‌عنوان راهکاری که می‌تواند بیش از سایر اقدامات موجب افزایش مقاومت جامعه در برابر انحطاط می‌شود یاد کرد. اگر عالمان دینی نسبت به اوضاع جامعه آگاه باشند و مردم را نیز نسبت به آن و وظایف اجتماعی که در مقابل آن برعهده دارند هوشیار سازند با تمسک مردم به اصل امر به معروف و نهی از منکر می‌توان امید داشت که جامعه از سراشیب سقوط نجات یابد. در این راستا عالمان باید فرامین قرآن کریم و همچنین سیره معصومین علیهم‌السلام را سرلوحه خود قرار داده و با فتاوی همخوان با اقتضائات زمان مردم را در مسیر اجرای دستورات شریعت قرار داده و در این مسیر یاری نمایند.

به اشاره قطب الدین نیریزی حمایت علما از مستضعفین در مقابل حاکمان ظالم و همچنین توجه به منافع عمومی در مقابل منافع صنفی و فردی از الزامات ضروری است که باید مورد توجه علما جامعه قرار گیرد. در این مسیر تکیه بر اصول و آرمانهای مشترک در راستای حفظ وحدت در جامعه اسلامی باتوجه به اینکه از هم گسیختن رشته اتحاد و همبستگی در جامعه در طول تاریخ به‌عنوان یکی از عوامل موثر در انحطاط تمدن‌ها به شمار میرفته است ضروری می‌نماید زیرا این عامل اگر چه خود معلول عوامل نفسانی مسلمین است اما خود منشاء افول تمدن‌ها است.

سیدجمال الدین اسدآبادی در باره این مسئله معتقد است جامعه‌ای که دچار اختلاف و تفرقه می‌شود روح تعصب و یگانگی در آنها می‌میرد و هیات اجتماعی آن تمدن به هم می‌خورد و در نهایت به نابودی کشیده خواهد شد (وائقی، ۱۳۴۸: ۶۸). به عبارتی اضمحلال هر قوم و تمدنی را میتوان ناشی از تفرق خود آنها دانست (نائینی، ۱۳۶۱: ۴۹). یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در این اختلاف را می‌توان تضاد شکل گرفته میان شیعیان و اهل سنت دانست که قطب الدین نیریزی به صراحت نسبت به لزوم کنار گذاشتن این اختلافات اشاره میکند: «اکنون حتی مصالحه و مسالمت میان دو فرقه، برای حفظ جان مسلمانان و خلاصی از قحطی و خشکسالی، ننگ نیست» (جعفریان، ۱۳۷۱: ۱۳۴۹).

۳-۲-۴- راهکارهای فرامادی

همانطور که در عوامل انحطاط جوامع مسائلی فرامادی از جمله: سنن الهی، عذاب و ... مورد تبیین قرار گرفت، در حوزه راهکارها نیز عواملی توبه، شکر نعمات الهی و ... که سبب نزول امدادهای غیبی خداوند می‌شود مورد توجه قرار می‌گیرند (نمودار شماره نه)



نمودار شماره ۹

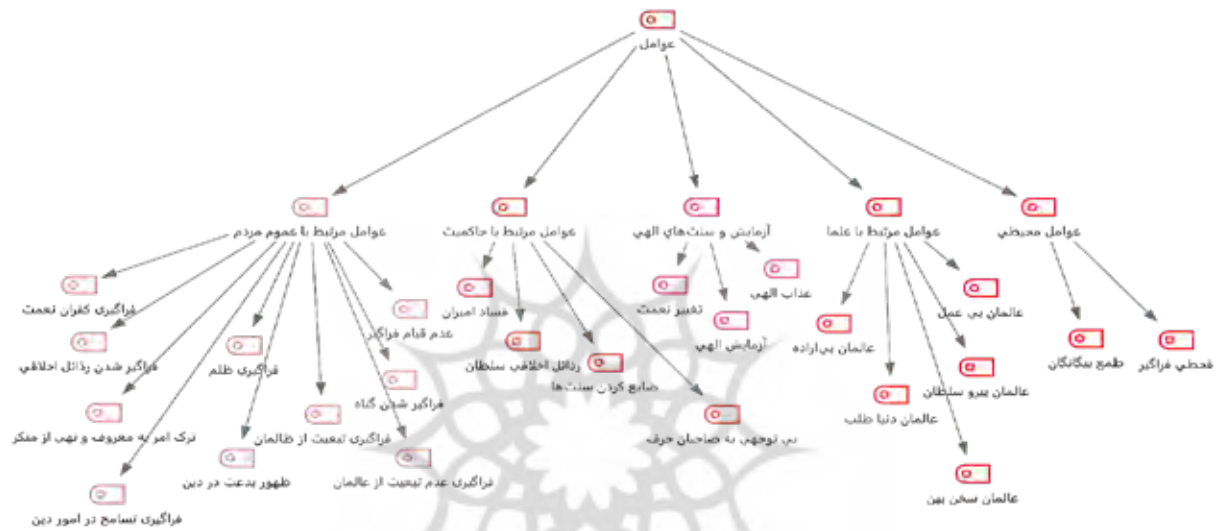
باتوجه به اینکه انسان طبیعتی اجتماعی دارد و حتی بسیاری از امور انفرادی‌اش در دل جامعه شکل می‌گیرد می‌توان چنین ادعا کرد که انجام یک گناه، علاوه بر جسم و روح یک فرد، در جامعه نیز آثاری دارد؛ بنابراین تمام رفتار او حتی امور عبادی فردی وی، در ایفای نقش اجتماعی انسان مؤثر بوده و ممکن است به هنجارسازی در جامعه بیانجامد. از این رو توبه نیز در حوزه اجتماع دارای تاثیر خواهد بود. علاوه بر این توبه از گناهان یکی از راه‌های پیش‌گیری از دچار شدن به عذاب‌هایی است که در قالب سنن الهی دامن گیر جوامع می‌شود. در کنار این شکر نعمات نیز بر اساس آموزه‌های دینی جامعه را در مدار سنن الهی قرار خواهد داد که نجات بخش جامعه از هلاکت خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر در پاسخ به «چیستی عوامل انحطاط جامعه در دوره صفویه و راه‌کارهای مقابله با آن از منظر قطب الدین نیریزی» متن رساله طب الممالک با روش تحلیل مضمون و بهره‌گیری از نرم افزار MaxQDA مورد تحلیل روشمند قرار گرفت. در نتیجه این تحلیل مشخص شد وی در زمینه عوامل انحطاط در پنج حوزه کلی به: عوامل مرتبط با عموم مردمف عوامل مرتبط با علما، عوامل مرتبط با حاکمیت، عوامل محیطی و همچنین سنن الهی اشاره داشته است که ذیل هر کدام از آنها مضامین متعددی جای گرفته‌اند.

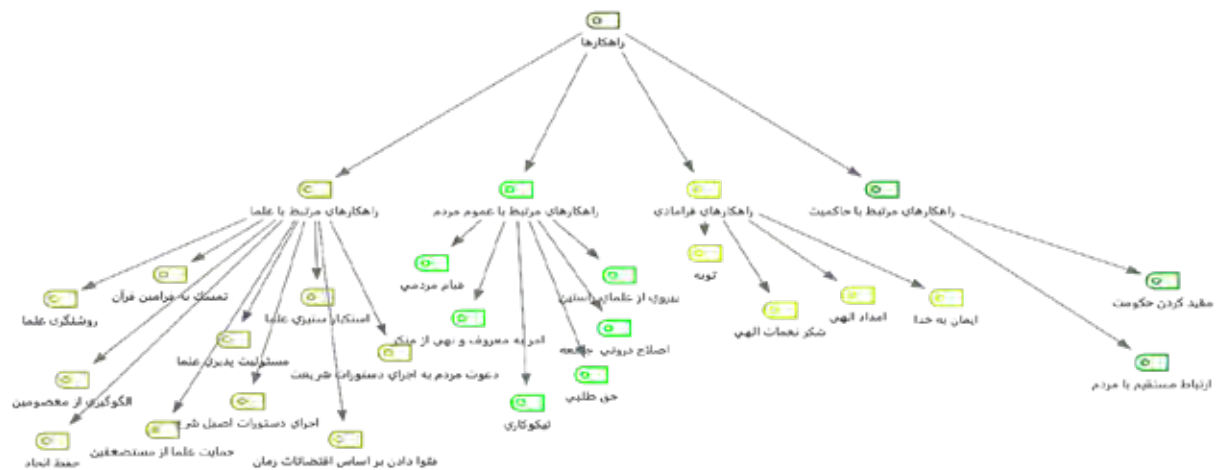
از نگاه نیریزی، ذیل «عوامل مرتبط با عموم مردم»، فراگیری کفران نعمت، فراگیرشدن رذائل اخلاقی، ترک امر به معروف و نهی از منکر، فراگیری تسامح در امور دینی، فراگیری ظلم، ظهور بدعت در دین، فراگیری تبعیت از ظالمان، فراگیری عدم تبعیت از عالمان، فراگیرشدن گناه و عدم قیام فراگیر قرار می‌گیرد. او «عوامل مرتبط با حاکمیت» را

چهار مورد بر می‌شمارد: فساد امیران، رذائل اخلاقی سلطان، ضایع کردن سنت‌ها، و بی‌توجهی به صاحبان حرف. از نظرگاه نویسنده این رساله، علما به‌عنوان یکی از گروه‌های مهم اجتماعی، اگر بی‌اراده، دنیاطلب، سخن‌بین، پیرو سلطان و بی‌عمل باشند، زمینه انحطاط جامعه فراهم می‌شود. نیریزی، در کنار «عامل محیطی»، که قحطی فراگیر و طمع بیگانگان را در بر می‌گیرد، از «آزمایش‌ها و سنت‌های الهی» نیز به‌عنوان یکی از عوامل انحطاط جوامع یاد می‌کند که عذاب الهی، آزمایش الهی و تغییر نعمت‌ها در زمره آن است.



نمودار شماره ۱۰

در ادامه و در حوزه راهکارهای مقابله با انحطاط نیز مشخص شد که چهار محور: راهکارهای مرتبط با عموم مردم، راهکارهای مرتبط با علما، راهکارهای مرتبط با حاکمیت و در نهایت راهکارهای فرامادی یا همان امدادهای الهی مورد اشاره قرار گرفته‌اند که ارتباط آنها با مضامین پایین دستی‌شان در قالب الگوی شماتیک زیر ارائه شده است (نمودار شماره یازده).



منابع

- ابوالحسنی، محمدعلی (۱۳۸۱)، «نگاهی اجمالی بر احوال و آثار عارف ربانی علامه سید قطب‌الدین محمد حسینی نیریزی». تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۴۹، شماره ۱.
- امامی، علی اشرف و محمدجواد شمس (۱۳۸۴)، «بررسی دیدگاه‌های عرفانی سید قطب‌الدین حسینی نیریزی»، تهران: فصلنامه معارف، شماره ۶۳.
- آقا بخشی، علی اکبر و مینو افشاری راد (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر چاپار.
- آقا خانی، محمدحسین (۱۳۹۳)، علل فروپاشی تمدن‌ها از دیدگاه قرآن، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی دانشکده علوم سیاسی.
- بارل، گیسن؛ مورگان، گارت؛ نوروزی، محمدتقی (۱۳۹۰): نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان. عناصر جامعه‌شناختی حیات سازمانی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
- پیمان، حبیب‌الله (۱۳۸۵)، حیات و مرگ تمدن‌ها، تهران: تشیع.
- تقوی دامغانی، رضا (۱۳۸۷)، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران: نخیل.
- جبران مسعود (۱۳۹۲)، الرائد، فرهنگ الفبایی (عربی - فارسی)، با اهتمام رضا انزابی نژاد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- جعفریان رسول (۱۳۷۱)، رساله سیاسی (در تحلیل سقوط دولت صفویه و راه‌حل بازگشت آن به قدرت)، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۱)، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست (جلد ۳)، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی، سیدصادق (۱۳۹۷)، نگاهی به برخی از مهم‌ترین عوامل ظهور و انحطاط تمدن‌ها از منظر قرآن و روایات، دوفصلنامه معارف اسلامی و علوم تربیتی، دوره ۴، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
- خدابنده، نسرين و مهین پناهی (۱۳۹۸)، «مقایسه عرفان شیعی بانو ام‌سلمه بیگم نیریزی با قطب‌الدین نیریزی». تهران: نشریه علمی زن و فرهنگ، سال یازدهم، شماره ۴۳.
- خسروپناه، عبدالحسین و مهدی فدایی (۱۳۹۱)، «عرفان و راه برون‌رفت از بحران سیاسی در اندیشه سیاسی قطب‌الدین نیریزی»، تهران: حکومت اسلامی، سال ۱۷، شماره ۳.
- خمینی (امام)، روح‌الله (۱۳۸۹)، صحیفه امام خمینی ج ۱۱، تهران: مرکز تنظیم و نشر آثار امام.
- دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی؛ آذر، عادل (۱۳۹۰)، روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت. رویکردی جامع تهران: صفار (اشراقی).
- ردادی، محسن (۱۳۹۰)، نظریه اعتماد سیاسی با تاکید بر گفتمان اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- رکن‌الدینی، حسین (۱۳۸۳)، علل انحطاط و سقوط جوامع از دیدگاه قرآن، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

- سرمد، زهره (۱۳۷۹)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگاه.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۹۱)، پژوهش در علوم سیاسی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- صانعی، زهرا (۱۳۹۵)، بررسی دیدگاه‌های رایج درباره انحطاط تمدن اسلامی، تهران: دانشگاه معارف اسلامی.
- صدر، موسی (۱۳۹۹)، سنت‌های تاریخ در قرآن، قم: دارالصدر.
- طاهری، ابو القاسم (۱۳۸۰)، روش تحقیق در علوم سیاسی، تهران، قومس.
- طباطبائی، محمدحسن (۱۳۶۳)، المیزان فی التفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فقیهی، علی اصغر (۱۳۶۶)، آل بویه و اوضاع ایشان با نموداری از زندگی مردم، تهران: صبا.
- کرمی‌فریدنی، علی و محسن کرمی (۱۳۸۳)، ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن، قم: نسیم انتظار.
- کریندورف، کلوس (۱۳۷۸)، تحلیل محتوا مبنای روش‌شناسی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران، انتشارات روش.
- مروتی، سهراب و زهرارضایی (۱۳۹۲)، «شاخص‌های ارتباط مطلوب مردم با زمامدار در نهج‌البلاغه»، دوره ۱ شماره ۱.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: چاپ و نشر بین الملل.
- معین، محمد (۱۳۸۵)، فرهنگ فارسی، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- معینی‌نیا، مریم (۱۳۷۹)، آسیب‌شناسی تمدن‌ها بر اساس شواهد قرآنی، مجله بینات ش ۲۷.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۶۱)، تنبیه الامه و تنزیه المله، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نهج‌البلاغه (۱۳۸۶)، ترجمه محمد دشتی، قم: مشرقین.
- واتقی، صدر (۱۳۴۸) سیدجمال‌الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، تهران: پیام.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۳)، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: نشر معارف.
- یوسفی‌راد، مرتضی (۱۳۸۶)، اندیشه سیاسی قطب‌الدین شیرازی، قم: بوستان کتاب.

References

- Abolhosni, Mohammad Ali (2002), A brief look at the status and works of the mystic Rabbani Allameh Seyyed Qutbuddin Mohammad Hosseini Nirizi. Journal of Faculty of Literature and Human Sciences, Tehran University, 49(1), 245-260[in Persian]
- Emami, Ali Ashraf and Mohammad Javad Shams (2005), Study on the mystical views of Seyyed Qutbuddin Hosseini Nirizi, Tehran: Journal of Maarif, (63), 118-141[in Persian]
- Agha Bakshi, Ali Akbar and Mino Afshari Rad (2004), Culture of Political Sciences, Tehran: Chapar[in Persian]
- Agha Khani, Mohammad Hossein (2014), Causes of the collapse of civilizations from the perspective of [in Persian]the Qur'an, Tehran: Islamic Azad University, Faculty of Political Sciences.
- Barrell, Gibson; Morgan, Garrett (2017), Macrosociological theories and organization analysis. Sociological elements of organizational life. Nowrozi, Mohammad Taqi, Tehran: Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities (Samt) [in Persian]

- Payman, Habibullah (2006), Life and Death of Civilizations, Tehran:Tashayo. [in Persian]
- Taghvi Damghani, Reza (2008), an attitude towards Islamic management, Tehran: Nakheel. [in Persian]
- Gibran Masoud (2013), Al-Raed, Farhang al-Fabaei (Arabic-Persian), with the efforts of Reza Anzabinejad, Mashhad: Astan Quds Razavi. [in Persian]
- Jafarian, Rasool (1992), political treatise (in the analysis of the fall of the Safavieh government and the solution to its return to power), Qom: Hazrat Ayatollah Marashi Najafi Public Library. [in Persian]
- Jafarian, Rasoul (2012), Safavieh in the field of religion, culture and politics V3, Tehran: Hozah and University Research Institute. [in Persian]
- Hosseini, Seyedsadeq (2018), a look at some of the most important factors in the rise and decline of civilizations from the perspective of the Qur'an and hadiths, bi-quarterly journal of Islamic education and educational sciences, v4(8), 89-108[in Persian]
- Khodabandeh, Nasreen and Mohin Panahi (2019), Comparison of the Shiite mysticism of Banu Omsalmeh Begum Nirizi with Qutbuddin Nirizi. Tehran: Scientific Journal of Women and Culture, 12(43), 7-18[in Persian]
- Khosropanah, Abdul Hossein and Mehdi Fadaei (2012), Mysticism and the way out of the political crisis in the political thought of Qutbuddin Nirizi, Tehran: Islamic Government, 17(3) 105-124[in Persian]
- Khomeini (Imam), Ruhollah (2010), Imam Khomeini's Book 11, Tehran: Imam's Writing and Publication Center. [in Persian]
- Danaifard, Hassan; Alwani, Seyed Mahdi; Azar, Adel (2011), quantitative research methodology in management. Tehran: Safar (Eshraghi). [in Persian]
- Radadi, Mohsen (2011), Political Trust Theory with Emphasis on Islamic Discourse, Tehran: Imam Sadiq University. [in Persian]
- Rokn al-Dini, Hossein (2004), the causes of the decline and fall of societies from the perspective of the Qur'an, Qom: Center for Islamic Research of Radio and Television. [in Persian]
- Sarmad, Zohra (200), research methods in behavioral sciences, Tehran: Aghaz. [in Persian]
- Seyidamami, Kavooos (2012), research in political science, Tehran, Imam Sadiq University[in Persian]
- Saneii, Zahra (2016), survey of common views about the decline of Islamic civilization, Tehran: University of Islamic Education. [in Persian]
- Sadr, Musa (2020), Traditions of History in the Qur'an, Qom: Dar al-Sadr. [in Persian]
- Taheri, Abu al-Qasim (2001), research method in political science, Tehran: Qomes. [in Persian]
- Tabatabai, Mohammad Hassan (1984), Al-Mizan, Qom: Islamic Publication. [in Persian]
- Faqihi, Ali Asghar (1987), Al Buyeh and their situation with a diagram of people's lives, Tehran: Saba. [in Persian]
- Karmi Faridni, Ali and Mohsen Karmi (2004), The Rise and Fall of Civilizations from the Viewpoint of the Qur'an, Qom: Nasim Intejar. [in Persian]
- Krippendorff, Clos (2008), content analysis of the basics of methodology, Hoshang Naibi, Tehran: ravesh Publications. [in Persian]
- Morovati, Sohrab and Zaharrezaei (2013), Indices of favorable relationship between the people and the governor in Nahj al-Balagha, Nahj al-Balagheh researchs1(1), 25-38[in Persian]

- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2012), Society and History from the perspective of the Qur'an, Tehran: International Publishing. [in Persian]
- Moin, Mohammad (2006), Farhang Farsi, Tehran: Amir Kabir Publishing. [in Persian]
- Naini, Mohammad Hossein (1982), Tanbiyeh al-Uma and Tanziyeh al-Mulleh, Tehran: Publishing Company. [in Persian]
- Nahj al-Balagha (2007), translated by Mohammad Dashti, Qom: Mashrequein. [in Persian]
- Vatheghi, Sadr (1969) Seyyed Jamaluddin Hosseini, the founder of Islamic movements, Tehran: Payam. [in Persian]
- Velayati, Ali Akbar (2004), Islamic Culture and Civilization, Qom: Nashr Maarif. [in Persian]
- Yousfirad, Morteza (2007), Qutbuddin Shirazi's political thought, Qom: Bostan Kitab. [in Persian]

